

او برای مردم خواند!

در اندوه درگذشت استاد شجریان

جمعه، 9 اکتبر 2020 - 19:04



هیئت سیاسی -
اجرائی حزب چپ
ایران (فدائیان خلق)

در اندوه درگذشت
استاد شجریان

او برای مردم خواند!



خبر درگذشت محمد رضا شجریان - شهره به "خسرو آواز ایران"، با درنوردیدن پهنای کشور ملتی را در سوگ نشانده است. انبوه دوستداران او با آنکه می‌دانستند نغمه‌پرداز نام آورشان در واپسین نبرد با عفریت مرگ دست و پنجه نرم می‌کند، اما تاب پذیرش از صدا افتادن این ساحر صدا را نداشتند. آنها برای آن گرامی بزرگوار خود زیستی دراز و تداوم زندگی می‌خواستند. او جاگرفته‌ای در میان حس و قلب و ذهن میلیون‌ها انسان بود و این مردم اکنون در نبود وی پاره تن خویش را از دست رفته می‌بینند.

شجریان به فاتح قله موسیقی ایران شناساست. هنرمندی بود که گوشه گوشه‌های دستگاه‌های آن را یک عمر در غزل‌ها و سروده‌های بزرگ شاعران دیرینه و معاصر این دیار خواند. او فقط بر گنجینه هنر آواز این سرزمین نیفزود بلکه آن را غنایی بی‌همتا بخشید؛ هرچه خواند و بازخواند از تک آواز فراتر رفت و الگو و نمونه در آواز شد. هر ترانه‌ای که سرداد در دل میلیون‌ها ایرانی نشست و "زمزمه نیمه شب مستان گشت". به درست گفته‌اند صدای او چنان بود که در نبود ساز، خود یک ساز بود.

آنچه اما شجریان را چنین در دل مردم ایران جا داد، انتخاب سیاسی و اجتماعی او بود. او در همه عمر هنری‌اش کنار مردم ماند؛ از مردم، با مردم و برای مردم بود. هر زمان که مردم به شوق تغییر و تحول پا در صحنه گذاشتند، بازتاب اراده ملی‌شان را در صدای گرم او بازیافتند و هر جا که دستگاه قدرت تیغ سرکوب

بر چهره مردم کشید شجریان با خواندن در حزن و اندوه، شریک درد و خشم همگانی شد. "همراه شو عزیز" در فراخوان برای باهم بودگی و بازخوانی "مرغ سحر" در بیان اندوه ملی.

شجریان با عدم تمکین به قدرت، در گرماگرم "جنیش سبز"، در ایستادگی چهره کرد و با فریاد "تفنگت را زمین بگذار" پژواک صدای میلیون‌ها شهروند معترض به حکومتی شد که علیه آنان شمشیر از رو بسته بود. این نقطه عطفی بود در زندگی پربار وی، وقتی سرنوشت هنرکاش بیش از پیش با ملت گره خورد و خودش و هنرش در خدمت سیاست برای مردم معنی یافت. او وقتی شنید یک مشت خونریز چه سان بی هیچ آزر می میلیون‌ها انسان فهیم کشورش را "خس و خاشاک" می‌نامد، ایستاد و گفت "صدا و سیما"ی شما ارزانی خودتان، من با همین‌هایم! او دیگر از تریبون رسمی رژیم چیزی نخواند.

صدای شجریان نامیراست؛ هم در آواز خوانی و هم در پر آوازی به مردمی بودن. اما بلند آواز ترین آوازی که او در همه عمرش خواند و خود آن را نشنید؛ آواز برخاسته از حنجره ملت در لحظاتی پس از اعلام خبر درگذشت او بود. آن هم‌آوایی ملی در جلو بیمارستان جم، خیابان‌ها و منازل تهران و شهرستان‌ها که در آسمان ایران طنین افکند. آخرین آواز شجریان را از حنجره نرگس محمدی شنیدیم، آنگاه که این نماد آزادیخواهی بعد رهایی از زندان با سر دادن "مرغ سحر ناله سر کن" در سوگ استاد هنر و نماد ایستادگی سخت گریست و همگان را گریاند.

حزب چپ ایران(فدائیان خلق) درگذشت استاد شجریان را ضایعه‌ای برای مردم ایران و جامعه هنری کشور می‌داند و در این لحظات اندوهبار آرزو می‌کند صدا، پیام، نام و ندای ماندگار او الهامبخش هنرمندان و فرهنگ پروران در سرزمینی باشد که ایستادگی در برابر جمهوری اسلامی آزادی کش، فرهنگ و هنر ستیز، زورگو و سرکوبگر وظیفه هر شهروندی است. ما این فقدان بزرگ را به فرزندان اش، همایون و مزگان، به همسر و دیگر بازماندگان او، و به میلیون‌ها دوستدار صدای او تسلیت می‌گوییم و خود را در کنار و همراه مردم در این اندوه ملی شریک می‌دانیم.

هیئت سیاسی- اجرائی حزب چپ ایران(فدائیان خلق)

18 مهر 1399- نهم اکتبر 2020